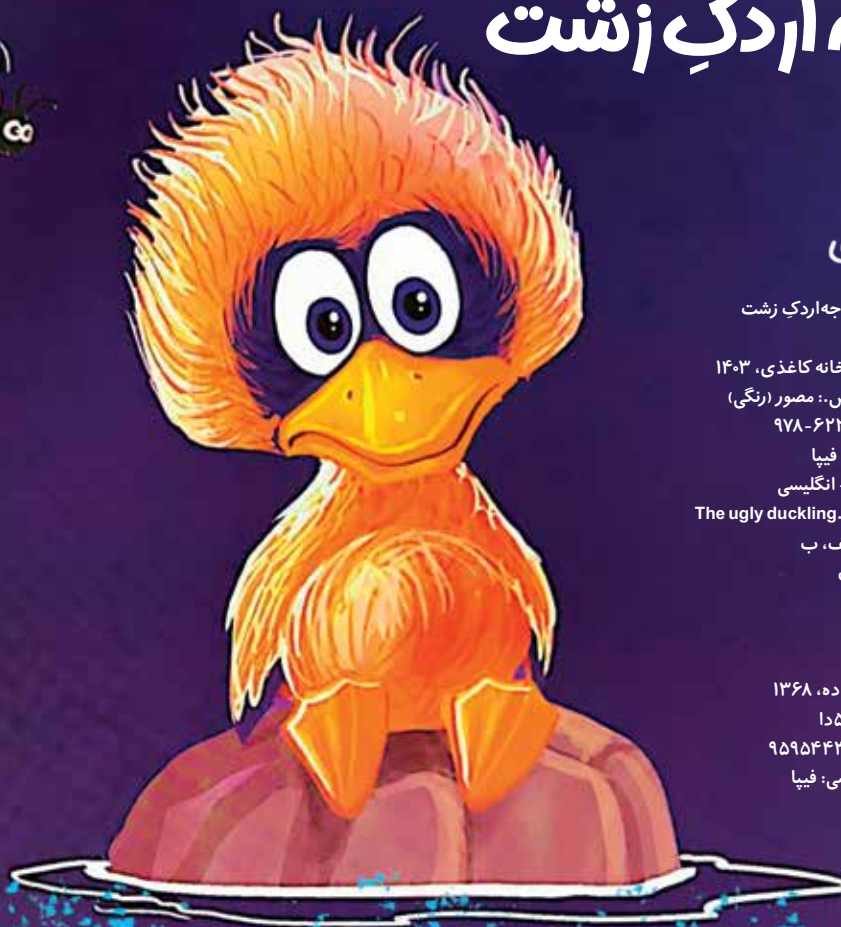


MY FIRST 5 MINUTES FAIRY TALES

THE UGLY DUCKLING

جوجه اردک زشت



عنوان و نام پدیدآور: جوجه اردک زشت

مترجم: آزاده سیفی

مشخصات نشر: تهران: خانه کاغذی، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۱۶ ص.؛ مصور (رنگی)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۶۶-۵۲-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: زبان: فارسی - انگلیسی

یادداشت: عنوان اصلی: The ugly duckling

یادداشت: گروه سنی: الف، ب

موضوع: قوها -- داستان

Swans -- Fiction

اردک‌ها -- داستان

Ducks -- Fiction

شناسه افزوده: سیفی، آزاده، ۱۳۶۸

رده بندی دیویی: ۵۹۸/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۹۵۴۴۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

A long time ago, on a farm, a Mama Duck laid many eggs. She loved them dearly and soon the eggs began to hatch. One strange egg took the longest to hatch, and out came an odd-looking thing!

مَدّت ها پیش، در یک مزرعه، یک ماما اردک
تعداد زیادی تخم گذاشت. او آن ها را خیلی
دوست داشت و خیلی زود، تخم ها شروع به
شکستن کردند.
یک تخم عجیب،
پیش تر از همه
طول کشید تا بشکند،
و یک چیز عجیب از آن بیرون آمد.

Haha

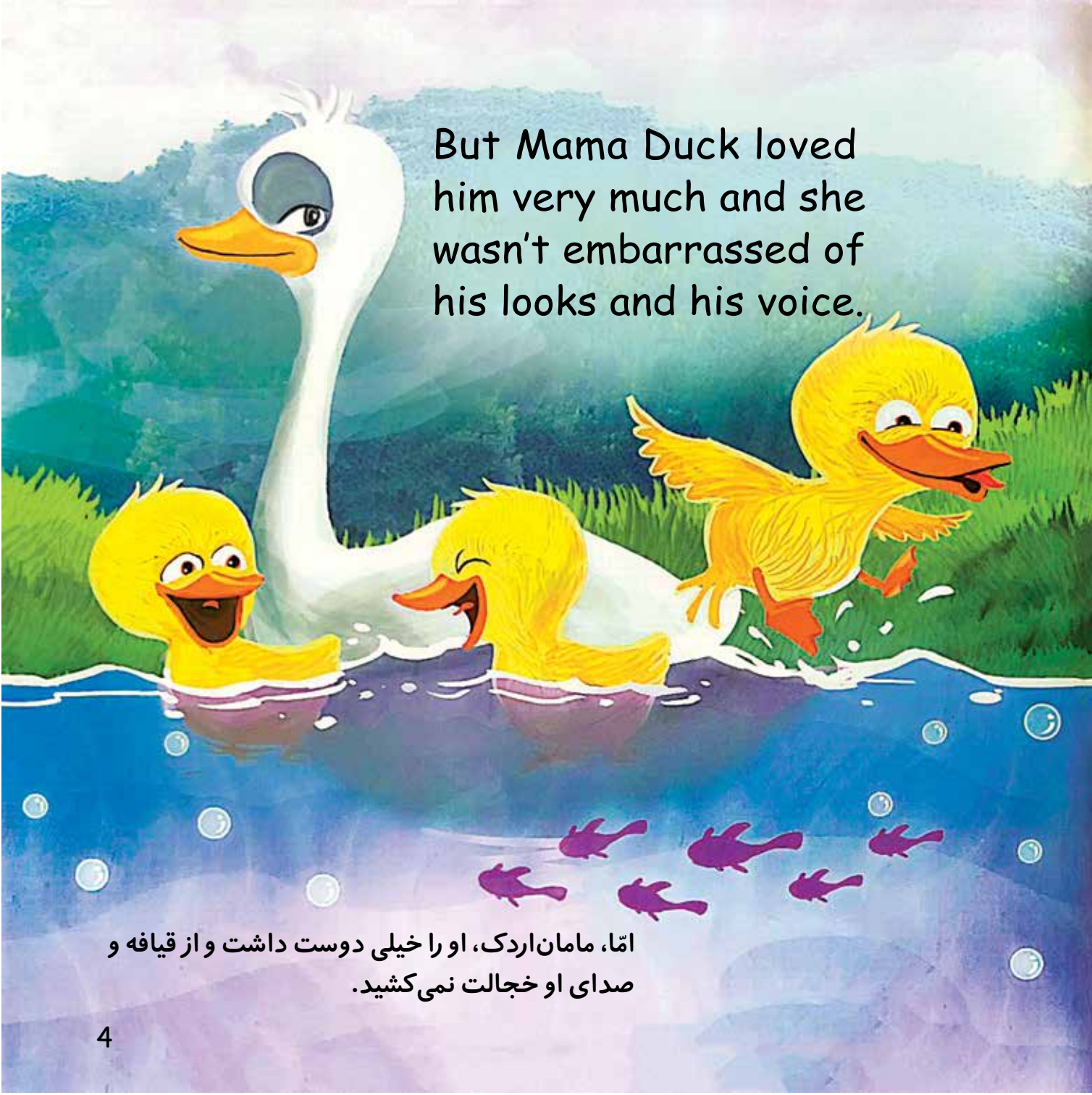
Cracccccck!

One of the ducklings laughed,
“He looks nothing like us!”

یکی از جوجه اردک ها خندید، «او اصلاً شبیه ما نیست!»

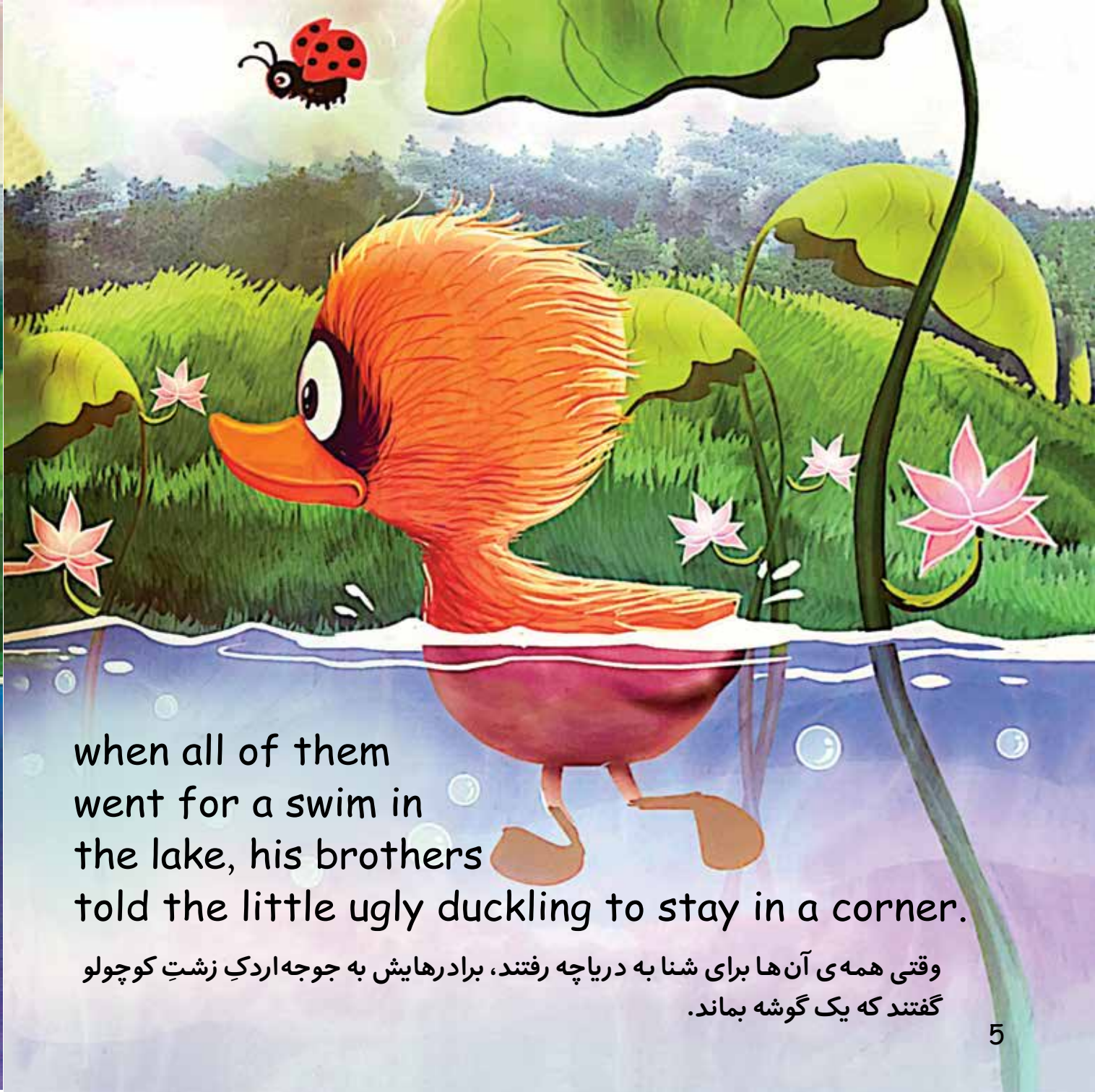
Haha

haha



But Mama Duck loved him very much and she wasn't embarrassed of his looks and his voice.

اما، ماما اردک، او را خیلی دوست داشت و از قیافه و صدای او خجالت نمی کشید.



when all of them went for a swim in the lake, his brothers told the little ugly duckling to stay in a corner.

وقتی همه ی آن ها برای شنا به دریاچه رفتند، برادرهایش به جوجه اردک زشت کوچولو گفتند که یک گوشه بماند.